

زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی، سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ۱-۱۴

ساختار افعال سببی تالشی از چشم انداز زبان‌شناسی تاریخی

زهره زرشناس*

نیما آصفی**

چکیده

تقدیم به دکتر محرم رضایتی کیشه‌خاله به پاس پژوهش‌های عالمانه‌شان پیرامون زبان تالشی

افعال سببی در زبان تالشی در اشکال گوناگون پدیدار می‌شوند. برخی از این افعال تنها دارای گردش واکه‌ای^۱ هستند اما گروهی دیگر که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند، جدای از گردش واکه‌ای، پسوندهایی همچون *_nəste, _āvnəste, _āvniye* قرار گرفته‌اند. این دسته از افعال زبان تالشی را می‌توان بر مبنای قواعد آوایی افعال سببی در زبان‌های ایرانی باستان، در دو گروه بخش نمود. در این مقاله تلاش ما بر این خواهد بود که اجزای سازنده‌ستاک‌های حال سبب‌زبان تالشی را با نگاه به زبان‌های ایرانی باستان و میانه توجیه کنیم. همچنین پیشینه‌ای تاریخی برای پسوندهای مصدرساز این افعال *(_de, _iye, _əste)* بدست دهیم. در ادامه دگرگونی‌های آوایی از جمله تبدیل همخوان $v < m$ در افعالی که دارای پسوند *n(ə)ām(ə)* و *n(ə)āv(ə)* هستند مورد مطالعه قرار می‌گیرد. همگی تحلیل‌ها در این مقاله بر مبنای دانش زبان‌شناسی تاریخی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: تالشی، فعل سببی، صفت فاعلی مضارع ناگذر، ایرانی باستان، اوستایی، پهلوی اشکانی، فارسی میانه

* استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، zzarshenas@gmail.com
** دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسندهٔ مسئول)، nima.asefi.ym@gmial.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰

۱. مقدمه

زبان تالشی در محدوده غرب استان گیلان و همچنین در برخی مناطق استان اردبیل و نیز در کشور جمهوری آذربایجان دارای گویشور است. تمامی گونه‌های زبان تالشی در سه گویش شمالی (از کرگانرود در شهرستان تالش تا آن سوی رود ارس، یعنی مناطق تالش نشین جمهوری آذربایجان)، مرکزی (از کرگانرود تا سفارود در شهرستان رضوانشهر) و جنوبی (از سفارود تا سپیدرود در شهرستان رودبار) جای می‌گیرند. زبان تالشی در دسته‌بندی زبان‌های ایرانی در گروه شمال غربی قرار می‌گیرد. از دوره باستان و میانه زبان تالشی هیچ اثری در دست نیست. برخی پژوهشگران از جمله یارشاطر (۱۳۷۱: ج ۳۹۱/۲) زبان تالشی را همراه با زبان کهن آذربایجان باقیمانده زبان مادی می‌دانند. زبان تالشی دارای ویژگی‌های زبانی بسیار کهن است برای نمونه ساختار فعل سببی در این زبان دارای ویژگی‌های منحصر بفردی است که با شیوه ساخت فعل سببی در زبان اوستایی نزدیکی فراوان دارد و این تلاش ما در این مقاله شناخت و دسته‌بندی این افعال خواهد بود.

در بخش‌هایی از مناطقی که تالشی مرکزی رواج دارد از جمله خَرَجگیلِ اسالم و نیز در دهستان خوشابَر (که در دسته تالشی جنوبی قرار می‌گیرد) افعال سببیدارای پسوند *_niye* *_āv(ə)niye* هستند (در مناطق شمالی واکه *_ā* به *_o* دگرگون می‌شود و مصادر با پسوند *_ov(o)niye/_o)niye* دیده می‌شوند) پسوندهای *_naste* و *_āvnaste* در بیشتر مناطق تالشی مرکزی و بخش‌هایی از تالشی جنوبی از جمله گونه ماسالی کاربرد دارند. پسوندهای *_āvənde* و *_ənde* متعلق به گویش تالشی جنوبی، بویژه منطقه فومناتو نیز مناطقی از شهرستان ماسالاست. در این پژوهش نمونه‌هایی که بررسی می‌شوند متعلق به گویش تالشی مرکزی و جنوبی هستند البته باید توجه داشت که گویش شمالی دارای ساختاری متفاوت از آنچه در این مقاله مورد پژوهش قرار می‌گیرد نیست، بلکه همانطور که گفته شد تنها دگرگونی آوایی در واکه‌ها صورت می‌پذیرد.

بیشتر پژوهشگران بر این باورند که کاربرد این افعال در زبان تالشی کاملاً سماعی است. این باور از دیدگاه همزمانی^۳ درست به نظر می‌آید بدین معنی که گویشوران کنونی تالش بدون هیچگونه شناختی تنها بر اساس شنیده‌ها، گونه خاصی از این افعال را مورد استفاده قرار می‌دهند. اما اگر نگاه در زمانی^۴ به موضوع بیفکنیم و با زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه بسنجیم، ممکن است به نتایجی برسیم قواعد ساخت این افعال را نمایان سازیم.

ساختار افعال سببی تالشی از چشم انداز زبان‌شناسی تاریخی ۳

از آنجا که شواهدی از زبان مادی باستان و میانه در دست نداریم، به منظور تجزیه تحلیل تاریخی زبان تالشی، نیازمند مراجعه به زبان‌های شناخته‌شده دوره باستان و میانه، بویژه زبان اوستایی، پهلوی اشکانی و فارسی میانه هستیم.

در این مقاله بدون رد نظرات و دیدگاه‌های دیگر پژوهشگران برای شناخت بهتر افعال سببی در زبان تالشی، پیشنهادهایی در مورد قواعد آوایی و نیز ساختار این افعال داده می‌شود. داده‌های گویشی مورد استفاده در این پژوهش از دو شیوه پژوهش میدانی و پژوهش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند.

۲. دسته‌بندی افعال سببی زبان تالشی بر اساس گردش واکهای افعال سببی در ایرانی باستان

نخست به دگرگونی‌های آوایی افعال سببی ایرانی باستان اشاره خواهیم کرد تا بتوانیم برپایه آن، دگرگونی‌های آوایی افعال سببی در زبان تالشی را دسته‌بندی کنیم.

۱.۲ قواعد آوایی مربوط به ساخت فعل سببی در ایرانی باستان

الف. واکه a آغازین یا میانی ریشه فعلی، که پیش از یک همخوان آمده باشد در بیشتر موارد بالانده^۵ می‌شود.

نمونه از اوستایی: ریشه νtap (گرم شدن) که برای ساخت فعل سببی tāp خواهد شد و سپس پسوند سببی ساز aya اضافه می‌شود (Jackson, 1982: 189).

$\text{AV.tāpaya} = \text{SKT.tāpāya}$ (گرم کردن)

ب. چنانچه a آغازین و میانی ریشه پیش از خوشه همخوان بیاید، معمولاً ریشه بدون دگرگونی آوایی برجای می‌ماند. نمونه از اوستایی: ریشه $\nu\text{axš}$ (بالیدن) که برای ساخت فعل سببی به همین شکل برجای می‌ماند و تنها پسوند واداری ساز aya خواهد گرفت (Jackson, 1982: 189).

$\text{AV.vaxšaya} = \text{SKT.vakṣaya}$ (بالاندن).

پ. چنانچه واکه a در پایان ریشه بیاید معمولاً حذف می‌شود (Jackson, 1982: 189).

اکنون بر مبنای قواعد آوایی افعال سببایرانی باستان، به دسته‌بندی افعال سببی در تالشی می‌پردازیم. از آنجایی که افعال سببی بر روی ستاکحال فعل لازم ساخته می‌شوند، باید واژه‌های این ستاک فعلی را در دو حالت بررسی کنیم.

۲.۲ گروه نخست افعال سببی تالشی

مقایسه ستاکحال فعل‌های لازمی که واژه *a* میانی پیش از یک همخوان دارند، با ستاک حال فعل سببی‌شان در زبان تالشی، نشانگر دگرگونی‌های آوایی بر مبنای قواعد ایرانی باستان است.

همانطور که در نمونه‌های جدول پایین دیده می‌شود همسان با قاعده ایرانی باستان، میانی فعل لازم در هنگام ساخت فعل سببی بالانده می‌شود $\bar{a} < a$. نکته مهم این است که این گروه از افعال سببی تنها با پسوند $(\bar{a})n$ ساخته می‌شوند و نشانی از پسوند $\bar{a}m(\bar{a})n$ در این افعال نیست.^۱

جدول شماره ۱

مصدر فعل لازم	مصدر فعل سببی گونه ۱	مصدر فعل سببی گونه ۲	مصدر فعل سببی گونه ۳	توضیحات
raste/rase رسیدن	rāsnəste رساندن	rā(ə)niye رساندن		
čakəste شکستن	čāknəste شکاندن	čāk(ə)niye شکاندن		
Čašte چشمیدن	čāšnəste چشاندن	čāš(ə)niye چشاندن		
raxəste رهیدن	rāxnəste رهاندن	rāx(ə)niye رهاندن		
Tejiste تاختن	tājnəste تازاندن	tāj(ə)niye تازاندن		taj _ بوده از ریشه \sqrt{tak} ، میان دو همخوان به جابجایی شده است
braməste گریستن	brāvnəste گریانیدن	brāv(ə)niye گریانیدن		
Dejiste به درد آمدن	dājnəste به درد آوردن	dāj(ə)niye به درد آوردن		a میان دو همخوان به ə

ساختار افعال سببی تالشی از چشم انداز زبان شناسی تاریخی ۵

بدل شده است				
a میان دو همخوان به ǝ بدل شده است		zār(ǝ)niye پاره کردن	zārǝnǝste پاره کردن	Zeriste پاره شدن
		čār(ǝ)niye چرانیدن		Čare چریدن
a میان دو همخوان به ǝ بدل شده است			Xārniye خارانیدن	xariste /xāriste خاریدن
ستاکحال فعل لازم Vaz است، از ریشه *√vaz باستانی	vāzǝnde جهانیدن فراری دادن			Vašte جهیدن
		tārāk(ǝ)niye ترکانیدن	tārākǝnǝste ترکانیدن	tārākǝste ترکیدن

۳.۲ گروه دوم

بررسی ستاکحال افعال لازمی که یا واکه اندارند، یا واکه a پیش از خوشه همخوان قرار گرفته است، با ستاک سببی این افعال در زبان تالشی، همچنان که در جدول ۲ دیده می شود بازهم نشانگر پیروی از قواعد ایرانی باستان است. یعنی همسان با قاعده ایرانیباستان، ستاکحال فعل لازم از گردش واکه ای دور می ماند و بسته به منطقه زبانیگوشوران، تنها با افزوده شدن پسوندهای ām(ǝ)n، āv(ǝ)n ستاکحال سببی ساخته خواهد شد.

جدول شماره ۲

مصدر فعل لازم	مصدر فعل سببی گونه ۱	مصدر فعل سببی گونه ۲	مصدر فعل سببی گونه ۳	توضیحات
Xuruste خندیدن	xurāvnəste خندانیدن	xurāv(ə)niye خندانیدن		
fəlkiste دستمالی شدن	fəlkāvnəste دستمالی کردن	fəlkāv(ə)niye دستمالی کردن		
kəriste کشیده شدن	kərāvnəste کشانیدن	kərāv(ə)niye کشانیدن		
larzəste لرزیدن	larzāvnəste لرزانیدن	Larzāv(ə)niye لرزانیدن		
nəšte نشستن	nəšāvnəste نشانیدن	nəšāv(ə)niye نشانیدن		
perəšte برخاستن		perəzām(ə)nste برخیزانیدن		
xəte خوابیدن		xəšām(ə)nste خوابانیدن		ستاکحال فعل لازم x ^v afs_<xəš_< h ^v ap<

در مورد هر دو قاعده آوایی گفته شده در بالا، مواردی نیز دیده می‌شوند که جدا از این قواعد، دگرگونی آوایی داشته‌اند. وجود این موارد با توجه به گذر زمانی بس طولانی از دوره باستان تا به امروز، پرسش برانگیز نیست و ناقض قانون کلی نخواهند بود. بنابر این از نظر آوایی، دو دسته اصلی در افعال سببی زبان تالشی داریم، که بر مبنای این دسته‌بندی به ادامه تحلیل ساختاری این افعال می‌پردازیم.

۳. تحلیل تاریخی ساختار گروه نخست

۱.۳. پسوندهای سازنده ستاک‌گذشته در زبان تالشی

نخست به گروه افعالی خواهیم پرداخت که در ستاک حال فعل لازمشان (فعل لازمی که ستاک‌حال سببی بر روی آن ساخته شده است) واکه a در جایگاه پیش از یک همخوان قرار می‌گیرد و ما از این پس این گروه را گروه نخست و گروه دیگر را دوم می‌نامیم. اگر به شکل مصدری افعال سببی‌گروه نخست بنگریم خواهیم دید که بسته به منطقه گویشوران سه نوع از این افعال وجود دارد^۱ - آنهایی که پس از ستاک حال سببی پسوند *aste* می‌گیرند^۲ - آنهایی که پس از ستاک حال سببی پسوند *iyē* می‌گیرند^۳ - آنهایی که پسوند *de* می‌گیرند^۷.

می‌دانیم که واکه پایانی در زبان تالشی نشانه مصدری بوده و پسوند *ast* نیز بی‌گمان همان پسوند *ist* است که در فارسی میانه از ستاک حال، ستاک گذشته جعلی می‌ساخته است (ابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۱۶۰).

در مورد گونه‌ای که ستاک گذشته آن پایان یافته همخوان *d* است احتمال دارد همان پسوند *īd* در فارسی میانه باشد که در کنار پسوند *ist* خویشکاری آن ساخت ستاک گذشته جعلی از ستاک حال است. می‌دانیم در زبان پهلوی اشکانی (پهلوانیگ) که نزدیکی بیشتری با زبان تالشی دارد تا فارسی میانه، با افزودن پسوند *ād* است که ستاک‌گذشته جعلی ساخته می‌شود نه پسوند *īd* (ابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۱۶۰) بنابراین نگاه نخست انتظار ما این است که پسوند *d* (ə) در تالشی را ادامه پسوند *ād* در پهلوی اشکانی بدانیم و این دیدگاه که احتمالاً ادامه پسوند *īd* است سبب شگفتی خواهد بود. اما باید به این نکته نیز توجه نمود که در زبان تالشی دگرگونی آوایی $\bar{I} < i < \bar{\theta}$ بسیار دیده می‌شود اما $\bar{a} < \bar{\theta}$ کمتر دیده شده است (آصفی، ۱۳۹۷: ۱۱۸) و کمی دور از قواعد آوایی خواهد بود اگر فرض کنیم که پسوند *d* (ə) تالشی بر جای مانده از پسوند *ād* پهلوی اشکانی باشد.

در مورد پسوند *iyē* شاید نتوان نظر قطعی داد، اما می‌توان به این نکته اشاره نمود، که همانگونه که در فارسی میانه همخوان *d* میان واکه‌ای می‌تواند به همخوان *yid* بدل شود اینجا نیز ممکن است چنین اتفاقی افتاده باشد. یعنی پسوند *iyē* همان *īde* باشد که با تبدیل $y < d$ به این شکل در آمده است و چنانچه این ایراد گرفته شود که تبدیل *d* میانی به *y* در دوره میانه مربوط به زبان‌های جنوب غربی است نه زبان‌های شمال غربی (ابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۹) و چرا این تبدیل در زبان تالشی به عنوان یک زبان شمال غربی نو رخ داده است؟ این نکته را

باید یادآوری کنیم که پسوند *-ist* نیز، تنها در فارسی میانه کاربرد داشته و در پهلوی اشکانی نشانی ندارد، اما در زبان تالشی به فراوانی در همه مناطق تالش نشین برای ساخت ستاک گذشته جعلی بکار می‌رود. پس نباید انتظار داشته باشیم که زبان تالشی به عنوان یک زبان شمال غربی نو همسانی کامل با زبان‌های شناخته شده شمال غربی در دوره میانه داشته باشد ضمن اینکه در زبان تالشی، برخی واژه‌ها دیده می‌شوند که *d* میان واژه‌های آنها به همخوان تبدیل شده است ($y < d$) از جمله واژه *vayu* در معنای عروس از ریشه ایرانی باستان \sqrt{vad} (بردن، هدایت کردن)^۹، حتی در برخی واژه‌های استفاده شده در متون پهلوی اشکانی نیز دیده می‌شود که فرآیند $y < d$ صورت پذیرفته‌است برای نمونه ستاک حال *wāy* (بردن، هدایت کردن) از همان ریشه \sqrt{vad} (بردن) و یا واژه *maḍ* (می) که گاهی به شکل *may* دیده می‌شود (رضائی باغ بیدی، ۱۳۸۱: ۳۲) و نیز واژه *bōy* در معنای بو (حسن دوست، ۱۳۹۵: ۵۴۱) و نیز ستاک حال *ambōy* در معنای بوسیدن (حسن دوست، ۱۳۹۵: ۲۸۰) که هردواز ریشه \sqrt{baud} (بو بردن، بوسیدن) هستند. اگرچه این تبدیلات آوایی فراگیر نیستند اما دیده می‌شوند، پس می‌توانسته چنین تبدیلی ($y < d$) در زبان تالشی کهن و نیز نورخ داده باشد.

۲.۳ جزء سازنده ستاک‌حالی سببی گروه نخست

اکنون باید به پرسش اصلی این مقاله، یعنی بخش سازنده ستاک‌های حال سببی، که همانا پسوند‌های $(\text{ə})n$ و $\text{āv}(\text{ə})n$ و $\text{ām}(\text{ə})n$ هستند پردازیم. نخست با پسوند $(\text{ə})n$ که جزء سازنده ستاک حال سببی گروه نخست است آغاز می‌کنیم. تا کنون پژوهش‌های زیادی در مورد افعال سببی تالشی انجام نشده است اما برخی پژوهشگران که به صورت گذرا نگاهی به این موضوع داشته‌اند براین باورند که پسوند $(\text{ə})n$ در زبان تالشی ادامه همان پسوند سببی ساز ēn دوره میانه است که خود از ayana^* باستانی می‌آید^{۱۰} (سبزیعلی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۵۶) خاطر نشان می‌سازد که افزودن پسوند ēn به ستاک حال، هم در زبان پهلوی اشکانی و هم در فارسی میانه، ستاک حالی سببی می‌ساخته است (ابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۱۵۹). این نظریه افزون بر پیشینه تاریخی در زبان‌های ایرانی غربی، از دیدگاه دگرگونی‌های آوایی زبان تالشی نیز می‌تواند درست باشد، زیرا در زبان تالشی تبدیل آوایی $\text{ē} < \text{i}$ می‌تواند رخ دهد و بنابر چنین تبدیلی، پسوند ēn دوره میانه می‌تواند به in و سپس ən در تالشی نو دگرگون شود.

ساختار افعال سببی تالشی از چشم انداز زبان‌شناسی تاریخی ۹

اکنون نوبت به تحلیل گروه دوم افعال سببی تالشی می‌رسد و باید پاسخ دهیم پسوندهای سببی $\bar{a}m(\text{ə})n$ و $\bar{a}v(\text{ə})n$ چگونه ساخته شده‌اند.

۴. تحلیل تاریخی ساختار گروه دوم افعال سببی تالشی

درستاک حالگروه دوم افعال سببی بسته به منطقۀ گویشوران‌دو گونه پسوند دیده می‌شود: $\bar{a}m(\text{ə})n$, $\bar{a}v(\text{ə})n$. اکنون این پرسش پیش می‌آید که آیا این‌ها دو پسوند جداگانه هستند؟ برای پیدا کردن پاسخ باید به سراغ واج‌شناسی این پسوندها برویم

۱.۴ بررسی تبدیل آوایی $m < v$ و رابط $\bar{a}v(\text{ə})n$ و $\bar{a}m(\text{ə})n$ پسوندهای

به نظر می‌رسد $\bar{a}v(\text{ə})n$ و $\bar{a}m(\text{ə})n$ پسوندهای جداگانه‌ای نباشند، بلکه فرآیند آوایی $m < v$ در این مورد صورت پذیرفته باشد. می‌دانیم تبدیل آوایی همخوان m میانی به همخوان w/v در دیگر زبان‌ها و گویش‌های غربی نیز دیده می‌شود از جمله در گویش بختیاری $*dāmun < dawun$ (دامن)، نیز در بلوچی $*namat \text{ nawat}$ (نمد) و یا $zavistān < *zima$ (زمستان)، همچنین در کوردی سورانی $*dāma < dāv$ (دام) (حسن دوست، ۱۳۸۹: ۴۹) و یا در زبان فارسی $parvās < parmās$ که به همین افعال سببی باز می‌گردد و در آنها تبدیل $m < v$ دیده می‌شود. شاهد نخست، فعل سببی ساخته شده بر روی ستاک حال لازم $bram$ (گریستن) است که با توجه به اینکه در $bram$ واکه‌a پیش از یک همخوان آمده (گروه نخست)، در تبدیل به فعلسببی بر مبنای قواعد گفته شده باید $*brām(\text{ə})nāste$ و یا $*brām(\text{ə})nde$... می‌شد و حتی اگر از قواعد آوایی پیروی نمی‌کرد باید $*brāmāvn(\text{ə})niye$ و $*brāmāvn(\text{ə})niye$... می‌شد، یعنی حتماً می‌بایست همخوان m آشکار می‌بود اما شکلی که در حقیقت بر جای مانده $brāvnāste$ و $brāvniye$ است. شاهد دوم ستاک حال $pandām$ (متورم شدن) است که در تبدیل به فعل سببی بجای $*pandāmniye$ یا $*pandāmnyie$ و یا $*pandāmēnde$ به $*pandāvnāste$ (متورم کردن) تبدیل شده است و باز هم اثری از همخوان m در شکل سببی نیست. این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که همخوان m در هر دو فعل نامبرده، همخوان ریشه‌ای بوده که در همنشینی با

همخوان n به v بدل شده است و نباید به اشتباه این دو فعل را در گروه دوم بحساب آوریم (گروهی که $\bar{a}v\bar{e}n$ می‌گیرند).
دقیقا همین دگرگونی آوایی در تبدیل پسوند $\bar{a}m\bar{e}n$ به $\bar{a}v(\bar{e})n$ می‌توانسته رخ داده باشد. باید خاطر نشان ساخت که شکل $\bar{a}m(\bar{e})n$ بسیار کم کاربردتر است برای نمونه می‌توان به منطقه اردجان در شهرستان رضوانشهر اشاره کرد که هنوز پسوند $\bar{a}m\bar{e}n$ برای ساخت فعل سببی بکار می‌رود.

۲.۴ تحلیل تاریخی پسوندهای $\bar{a}v(\bar{e})n$ و $\bar{a}m\bar{e}n$

برای تحلیل این پسوندها دوباره به زبان ایرانی باستان باز می‌گردیم. می‌دانیم در ایرانی باستان برای ساخت صفت فاعلی ناگذر افزون بر استفاده از پسوند $\bar{a}na/ana$ ، پسوند $\bar{m}n\bar{a}$ نیز استفاده می‌شده است^{۱۱} (ابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

در ساخت افعال سببی گروه دوم زبان تالشی نیز می‌تواند چنین ترکیبی بوجود آمده باشد، و این افعال سببی، ساختار صفت فاعلی ناگذر (با پسوند $\bar{m}n\bar{a} / \bar{m}n\bar{a}$) را در پیشینه خود داشته باشند بدین معنی که در افعال لازم گروه دوم پس از پسوند سببی ساز $\bar{a}ya$ پسوند $\bar{m}n\bar{a} / \bar{m}n\bar{a}$ صفت فاعلی ساز حال ناگذر افزوده شده، در پایان فرآیند آوایی $vn < mn$ را شاهد هستیم. پایانی در پسوند $\bar{m}n\bar{a}$ با ترکیب در واژه آغازین پسوند گذشته جعلی ساز ($\bar{i}st$ و $\bar{i}d$) به شکل \bar{e} درآمده است، همچنین \bar{e} هایی که در میان خوشه همخوان vn و $\bar{a}v(\bar{e})n$ و $\bar{a}m(\bar{e})n$ در برخی مناطق دیده می‌شوند به سبب تلفظ آسان میان خوشه همخوان افزوده شده‌اند^{۱۲}.

تحلیل این دسته از افعال سببی در تالشی بر مبنای صفت فاعلی ناگذر ساخته شده بر ستاک حال سببی یک پرسش مهم پیش می‌آورد و آن اینکه پسوند $\bar{a}ya$ باستانی در دوره میانه باید به شکل \bar{e} و در تالشی نوآیا تلفظ شود اما ما در پسوندهای سببی ساز تالشی یعنی $\bar{a}v(\bar{e})n$ و $\bar{a}m(\bar{e})n$ واژه بالانده \bar{a} را داریم چطور چنین تبدیلی رخ داده است و چگونه باید این تبدیل را توجیه کرد؟

اگر توضیحات هنینگ (Henning, 1933: 212) در مورد اینکه پسوند سببی ساز $\bar{a}n$ در فارسی دری ادامه پسوند سببی ساز $\bar{e}n$ در دوره میانه استرا بپذیریم، شاهدی برای تبدیل $\bar{e} > \bar{a}$ در زبان‌های ایرانی میانه غربی در دست

ساختار افعال سببی تالشی از چشم انداز زبان‌شناسی تاریخی ۱۱

خواهیم داشت و می‌توانیم این شاهد و نظرات هنینگ را به زبان تالشی گسترش دهیم، بدین معنی که احتمالاً در زبان تالشی کهن $*ayamna < *ēmna$ به $*ām(ə)n$ بدل شده است.

۳.۴ بررسی شواهد پیوستن پسوند $mna/mnā$ به ستاک حال سببی در زبان‌های باستانی

اکنون باید دید که آیا در دوره باستان، شهادی از پیوستن پسوند صفت فاعلی حال ناگذر $mna/mnā$ به ستاک‌های سببیدر دست داریم یا خیر؟ پاسخ بی‌گمان مثبت است، برخلاف اینکه از پیوستن پسوند سازنده صفت فاعلی ناگذر (ana) به ستاک حال سببی در اوستا هیچ شهادی نداریم (نگاه کنید به بخش ۳-۲)، شهادی از پیوستن پسوند سازنده صفت فاعلی ناگذر ($mna/mnā$) به ستاک‌های سببیدر اوستا دیده می‌شود در اینجا ۲ نمونه از اوستا می‌آوریم:

۱. ریشه $*\sqrt{frad}$ (گستردن) ← ستاک‌های سببی $frādaia$ (گسترانیدن) ← صفت فاعلی حال ناگذر $frādaiamna$ (گستراننده).

۲. ریشه $*\sqrt{sra}$ (شنیدن) ← ستاک‌های سببی $srāuuaia$ (شنوانیدن) ← صفت فاعلی حال ناگذر $srāuuaiamna$ (شنواننده) (کلنر، ۱۳۹۴: ۲۸ و ۵۳).

در پاسخ بدین پرسش که اصولاً چرا فعل سببی در دوره‌های پسین باید بر روی صفت فاعلی ناگذر دوره باستان ساخته شود؟ باید گفت احتمالاً همین نوع ساخت صفت فاعلی بر روی ستاک حال سببی که در اوستا دیده می‌شود (که دو نمونه از آن را دیدیم) و نیز ظرفیت معنایی صفت فاعلی، سبب چنین برداشتی در دوره‌های پسین شده و از صفت فاعلی ناگذر ساخته شده بر روی ستاک حال سببی به عنوان فعل سببی استفاده شده است.

۵. نتیجه‌گیری

افعال سبب‌زبان تالشی را، می‌توان بر مبنای گردش واژه‌ای افعال سببیدر زبان ایرانی باستان، به دو گروه عمده بخش نمود. گروه نخست آن دسته‌اند که در فعل لازمی که ستاک سببی بر روی آن ساخته می‌شود دارای واژه آغازین یا میانی a هستند و این واژه تنها پیش از یک همخوان قرار می‌گیرد. ساخت این افعال چنین خواهد بود که، واژه a برای ساخت

ستا کحالسببی فرآیند آوائی $a < \bar{a}$ را طی کرده و ستاک بالانده می‌شود و سپس پسوند سببی ساز بدان پیوسته است. در این دسته پسوند سازنده ستاکِ حال سببی پسوند $n(\bar{a})$ است که می‌تواند همان پسوند سببی ساز $\bar{e}n$ دوره میانه باشد که خود از $*ayana$ باستانی گرفته شده و آن نیز خود از پیوستن پسوند $*ana/\bar{a}na$ باستانی به پسوند سببی ساز aya ساخته شده است و در نهایت با استفاده از پسوندهای جعلی ساز $\bar{i}d$ و $\bar{i}st$ (متعلق به دوره میانه) ستاک گذشته‌ساخته شده است.

دسته دوم افعال لازمی هستند که یا واژه a در آنها پیش از خوشه همخوان می‌آید یا اینکه فعل لازم اصلاً واژه a ندارد. در این گروه برای ساخت ستاکحالسببی، واژه \bar{a} بدون دگرگونی آوایی برجای می‌ماند و سپس پسوند سببی ساز افزوده می‌شود. در این گونه از فعل‌های سببی، پسوندهای سببی ساز $n(\bar{a}v)$ و $n(\bar{a}m)$ هستند، که احتمالاً دارای چنین پیشینه‌ای بوده‌اند: $(_mna + aya)$ که aya پسوند سببی ساز و mna پسوند صفت فاعلی حال ناگذر ساز در دوره باستان بوده است. فرآیند آوایی در این پسوندها احتمالاً چنین بوده است $*ayamna < n(\bar{a}m) < \bar{e}mna$. در دوره‌های پسین فرآیند آوایی $m < v$ در بیشتر مناطق رخ داده است و بدین ترتیب جزء سازنده ستاک حال سببی یعنی پسوندهای $n(\bar{a}v)$ و $n(\bar{a}m)$ شکل گرفته‌اند. همچنین برای ساخت ستاک گذشته پسوندهای $\bar{i}d$ و $\bar{i}st$ به ستاک حال سببی افزوده شده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

1. Causative verbs
2. Ablaut
3. Synchronic
4. Diachronic
5. Lengthened grade ($V\bar{r}dhi$)

۶. در تالشی مرکزی معمولاً \bar{a} پیش از n ، و $\bar{a}m(\bar{a})$ و $\bar{a}v(\bar{a})$ تلفظ نمی‌شود.

۷. برای نمونه / $\bar{c}\bar{a}\bar{s}\bar{h}\bar{e}n\bar{d}\bar{e}$ / $\bar{c}\bar{a}\bar{s}(\bar{a})niye\bar{c}\bar{a}\bar{s}(\bar{a})n\bar{a}ste$ هر سه در معنای چشانیدن.

۸. در حالی که زبان‌های شمال‌غربی میانه، چنین تبدیلی را در پیشینه خود به عنوان یک قانون آوایی ندارند.

۹. این واژه در اوستای نو با تبدیل $d < \delta$ به شکل $vad\bar{u}$ (همسر، زن) آمده است.

ساختار افعال سببی تالشی از چشم انداز زبان‌شناسی تاریخی ۱۳

۱۰. در شرح این *ayana** باستانی‌گفته شده که از پیوستن *ana* به *psunda* سببی‌ساز *aya* بوجود آمده است (Henning, 1933:212) گر بخواهیم این نظریه را در مورد زبان تالشی در نظر بگیریم باید چنین فرآیندی رخ داده باشد: نخست گردش واکه‌ای بوجود آمده سپس *psunda* *aya* افزوده شده و ستاک حال سببی را ساخته و در نهایت *psunda* *ana* افزوده شده است. البته یک نکته را باید پیش چشم داشته باشیم و آن اینکه این *ana* نمی‌تواند *psunda* صفت فاعلی‌ساز ناگذر باشد چرا که این *psunda* در دوره باستان اصولاً به ستاک‌های پایان یافته به *a* نمی‌تواند بپیوندد، ضمن اینکه در متونی که به زبان اوستایی، امروز در دسترس ما است حتی برای یکبار هم *psunda* صفت فاعلی ناگذر *ana* به ستاک حال سببی (که از پیوستن *aya* به ریشه ساخته می‌شده) نه پیوسته است به عبارت دیگر هیچ شاهدهی در پیوستن *psunda* *ana* صفت فاعلی‌ساز ناگذر به *aya* سببی‌ساز در زبان‌های باستانی ایرانی نداریم (نگاه کنید به کلنز، ۱۳۹۴).

۱۱. نمونه از اوستا: *vazəmna* (وزان) از ریشه **vaz* (راندن-وزیدن-پروازکردن).

۱۲. برای شاهد این مدعا می‌توان به فعل *bariye* (بریدن) اشاره کرد که از ریشه **bri* (بریدن) ساخته شده است و در ریشه فعلی \emptyset ندارد ولی برای تلفظ آسانتر در گونه تالشی افزوده شده است.

کتاب‌نامه

- آصفی، نیما (۱۳۹۷). مقایسه تاریخی-تطبیقی نظام واجی گویش تالشی و منابع برجای مانده از گویش آذری کهن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۳). دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: سمت.
- حسن دوست، محمد (۱۳۸۹). فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۳). فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- رضائی باغ‌بیدی، حسن (۱۳۸۱). راهنمای زبان پارتی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۸۵) «مصدر و ساخت آن در گویش تالشی»، ویژه‌نامه فرهنگستان، دوره سوم شماره اول و دوم.
- سبزه‌علیپور، جهان‌دوست (۱۳۹۱). تاتی تالشی گیلکی، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- کلنز، ژان (۱۳۹۴). فهرست فعل‌های اوستایی، ترجمه مرادیان، بهمن و کرمی، محبوبه، تهران: انتشارات فروهر.
- یارشاطر، احسان (۱۳۷۱). «آذری»، زبان فارسی در آذربایجان، بنیاد موقوفات دکتر افشار.

۱۴ زبان‌شناخت، سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

Henning, w. b. (1933). Das Verbum des Mittelpersischen der Turfantexte, ZII 9.

Jackson.a.v.w.(1982). An Avesta Grammer,Stuttgart.